

توصیف برنامه درسی آموزش دبستانی در جهان همراه با سیر تحول و چالش‌ها

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۶/۰۷/۱۰

دکتر مرضیه دهقانی^۱

مقدمه

آموزش دبستان به علت شمول آن و نیاز جوامع مختلف از اهمیت پایه‌ای و زیربنایی در همه کشورهای جهان برخوردار است. تقریباً کلیه کشورهای جهان آموزش ابتدایی را به عنوان یک اصل مسلم و همگانی و حتی اجباری پذیرفته‌اند (صفاریور، ۱۳۹۱). طبق تعریف، آموزش دبستان^۲ شامل آموزش کودکان بین پنج تا یازده ساله است؛ یا به عبارت دیگر، از پایان کودکی تا پایه ششم. هارمون و جونز^۳ (۲۰۰۵) نیز آموزش ابتدایی را از پایان کودکی تا پایه چهارم خوانده‌اند. سن ورود کودکان به آموزش‌های ابتدایی در کشورهای مختلف، تفاوت‌هایی دارد. به طور کلی در بیشتر کشورهای قاره‌ی آسیا و آفریقا، سن ورود کودکان به آموزش دبستان، شش سال تمام می‌باشد و در بیشتر کشورهای اروپایی، آمریکا، انگلستان و استرالیا این سن، ۵ سال تمام است.

توصیف برنامه درسی آموزش دبستانی در جهان

برنامه درسی دوره دبستان در مناطق مختلف جهان، برای پرورش کودکان در ابعاد-فیزیکی و اجتماعی، زیبایی‌شناختی، عاطفی، شناختی، اخلاقی و معنوی- طراحی می‌شود (انجمن ملی برنامه درسی و سنجش، ۱۹۹۹). برنامه درسی دوره ابتدایی، چارچوبی را برای طراحی، اجرا و ارزشیابی فرصت‌های یادگیری مطلوب جهت ارتقای کودکان در حوزه‌های زبان، ریاضیات، هنر، علوم تجربی، موسیقی، تاریخ و جغرافیا فراهم می‌کند (هایس^۴، ۲۰۰۷).

معرفی کلیات عناصر برنامه درسی دبستان در جهان

عناصر برنامه درسی دبستان، بر اساس نوع نگاه فلسفی و روانشناختی و نوع رویکرد زیربنایی آن متفاوت است. با این حال، بین آنها هم‌پوشانی زیادی وجود دارد. در ادامه، جمع‌بندی حاصل از مطالعه این عناصر در کشورهای مختلف ارائه می‌شود:

Dehghani_M33@Ut.Ac.Ir

۲. Elementary School

۳. Harmon And Jones

۴. Hayes

۱. عضو هیات علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

اهداف برنامه درسی دبستان

جدول ۱: اهداف کلی آموزش ابتدایی در چند کشور

آلمان (یوریدایس ^۱ ، ۲۰۱۰)	هلند (شوایب و دونل ^۲ ، ۲۰۰۸)	ایرلند (گریسون، هاتون و دونل ^۳ ، ۲۰۱۴)
<ul style="list-style-type: none"> آماده کردن کودکان برای سطوح آموزش بعدی و یادگیری مادام‌العمر بهبود شایستگی زبانی و فهم مفاهیم پایه ریاضیات و علوم تجربی قادر ساختن کودکان به تجربه مؤثر جهان پیرامون رشد مهارت‌های روانی و الگوهای رفتارهای اجتماعی در کودکان رشد استقلال و تفکر کودکان با پیش‌زمینه‌های مختلف یادگیری به‌واسطه‌ی ارائه تجارب متنوع و تعامل با دیگر افراد ایجاد مهارت‌های پایه برای عمل در محیط و آمادگی برای ورود به فرایند آموزش دوره متوسطه 	<ul style="list-style-type: none"> کسب دانش در حوزه‌های گوناگون کسب مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی فردی و اجتماعی ایجاد فهم در کودکان در ارتباط با نیازهای فعلی و آینده در جامعه آموزش چندفرهنگی و درک جامعه چندفرهنگی هلند تشویق رشد عاطفی و اجتماعی، تفکر و خلاقیت کودکان 	<ul style="list-style-type: none"> قادر ساختن کودکان برای زندگی تمام‌عیار به عنوان یک کودک و تعیین پتانسیل‌های آنان به عنوان افرادی منحصربه‌فرد توانا ساختن کودکان برای رشد به عنوان یک موجود اجتماعی از طریق زندگی و مشارکت با دیگران و تشریک مساعی برای ساختن جامعه‌ای خوب آماده کردن کودکان برای آموزش بیشتر و یادگیری مادام‌العمر رشد کودکان در ابعاد: فیزیکی و اجتماعی، زیبایی‌شناختی، عاطفی، شناختی، اخلاقی و معنوی

در کل، اهداف جهانی آموزش ابتدایی عبارتند از (بنات و براسلاوسکی^۴، ۲۰۰۷):

- ارتقای رشد عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان و یادگیری شناخت و مدیریت عواطف و طرز به سر بردن با دیگران
- بهبود رشد خلاق در دانش‌آموزان
- ارتقای رشد شناختی دانش‌آموزان
- تربیت یادگیرندگان مادام‌العمر
- تربیت شهروندان مؤثر و آگاه از حقوق فردی و اجتماعی و در نهایت اثرگذار در توسعه پایدار جامعه
- پرورش هویت ملی در دانش‌آموزان
- تربیت افراد دارای سواد علمی
- توسعه عدالت و تساوی در جامعه
- تربیت شهروندان قدرتمند برای ارتباطات جهانی

۱. Eurydice

۲. Shuayb M, Donnell

۳. Grayson, Houghton And Donnell

۴. Benavot & Braslavsky

محتوای برنامه درسی دبستان

محتوای برنامه درسی دوره دبستان غالباً این موارد را شامل می‌شود: مطالعات اجتماعی (آموزش اخلاق)، علوم (عملی)، تربیت بدنی، هنر و موسیقی، ریاضی، تاریخ، جغرافیا، ادبیات، فناوری اطلاعات و ارتباطات و فعالیت‌های یادگیری عملی خلاق و نوآورانه، زندگی منظم و زندگی هوشمندانه و با نشاط (مؤسسه آمار مدارس استرالیا^۱، ۲۰۱۵). همچنین مهارت‌های اساسی در برنامه درسی دوره ابتدایی شامل مهارت‌های ارتباطی، ریاضی و عددی، دانشی و اطلاعاتی، حل مسأله، خود راهبری و ارتباطات، حضور و مشارکت اجتماعی، تربیت بدنی و مهارت مطالعه و جستجوگری است. همچنین در برخی کشورها برنامه‌هایی نیز برای آموزش دینی به کودکان، آموزش شخصی و اجتماعی و نیز آموزش شغلی مرتبط با دنیای کار نیز لحاظ شده است. در غالب کشورهای اروپایی، آمریکا، استرالیا، کانادا آموزش مدرسه‌ای مبتنی بر رویکرد یادگیرنده محوری و انتخاب محتوا بر عهده مدارس است البته غالباً مراکز ملی مواد آموزشی مسئول تعیین استاندارد و ارزیابی کتاب‌های تولید شده توسط ناشران خصوصی است. در این کشورها برای بازنگری برنامه‌های درسی از مشورت و نظرخواهی عمومی استفاده شده و آموزش مدرسه‌ای مبتنی بر رویکرد یادگیرنده محوری است.

راهبردهای تدریس-یادگیری

در برنامه‌های درسی مختلف آموزش دبستانی، با توجه به نوع رویکرد زیربنایی برنامه، بر انواع خاصی از راهبردهای تدریس و یادگیری تأکید می‌شود. علاوه بر آن، این راهبردها برای انواع محتوا، متفاوت هستند. گزارش افستد^۲ در آموزش ابتدایی، ارتباطی قوی را بین کیفیت تدریس و استانداردهای کسب‌شده توسط دانش‌آموزان نشان می‌دهد. در حوزه روش‌های تدریس، سه جنبه متمایز قابل تشخیص است: تکنیک‌های تدریس، رسانه تدریس و اهداف تدریس؛ معلمان با توجه به شرایط موجود، انواعی از اهداف، رسانه‌ها و تکنیک‌ها را در تدریس مورد استفاده قرار می‌دهند (ریچاردز^۳، ۲۰۰۳). با توجه به ویژگی‌های سنی که دانش‌آموزان دوره دبستان در آن قرار دارند، لازم است معلم از روش‌های تدریس انگیزشی^۴ استفاده کند که در آن یادگیرنده فعالانه درگیر است، و از ترکیبی از تکنیک‌ها و رسانه‌ها استفاده می‌شود و هر جا کودک نیاز به حمایت داشته باشد، از طریق بازخورد معلم مورد حمایت قرار می‌گیرد، و کودکان را در یادگیری به چالش می‌کشد و با تجارب زندگی و نیازهای واقعی آنان مستقیماً در ارتباط است (رادومب^۵، ۲۰۱۴). اگر چه در آموزش دبستان، می‌توان برای هر حوزه محتوایی، روش‌های تدریس-یادگیری ویژه‌ای در نظر گرفت، به طور کلی با توجه به ویژگی‌های رشدی کودکان بین ۶ تا ۱۱ سال، استفاده از این روش‌ها امروزه در دبستان‌های جهان بیشتر مورد تأکید است: روش‌های مسأله‌محور (اکتشافی، کاوشگری، پروژه‌محور، تجربه‌محور، گردش علمی، آزمایشگاهی)، انواع روش‌های مبتنی بر تعامل (پرسش و پاسخ، ایفای نقش، یادگیری مشارکتی، بدیعه‌پردازی) و انواع روش‌های آموزش انفرادی (رایانه‌محور، انفرادی هدایت‌شده، انفرادی تجویز شده، آموزش بر اساس دیدگاه بلوم). در واقع، تأکید بر روش‌هایی است که

1. Australian Bureau Of Statistics

2. Ofsted

3. Richards

4. Motivational Teaching Methods

5. Rudhumbu

یادگیرنده‌ی فعال و نیازها و تجارب دست اول او در مرکز فرایند تدریس - یادگیری قرار دارد. امروزه تدریس در مدارس ابتدایی بر اساس تجارب شخصی دانش‌آموزان شکل می‌گیرد و جهت گسترش افق دید آنان طراحی می‌شود. مدارس ابتدایی، کودکان را با توجه به گروه سنی‌شان، در فرایند طراحی، اجرا و ارزشیابی دروس دخیل می‌کنند و تجارب، سؤالات، دل‌مشغولی‌ها، دانش، توانایی‌ها و مهارت‌های آنان را به عنوان اساس طراحی دروس قرار می‌دهند. کودکان در موقعیت‌های تدریس متفاوت، باید به طور فزاینده توانایی انتخاب موضوعات، روش‌ها، مکان و ابزارهای کار را در خود رشد دهند و همچنین کار خود را مدیریت کنند. آنان با طراحی مراحل کار و کمک به ساختار بندی کارهای روزانه و هفتگی، استقلال خود را افزایش می‌دهند و احساس می‌کنند عقایدشان ارزشمند است. کاربرد رسانه‌های جدید در تدریس نیز، به طور فزاینده مورد تأکید است؛ هم به عنوان ابزاری برای تدریس و هم به عنوان چیزی که تدریس و یاد گرفته می‌شود (یورودایس^۱، ۲۰۰۸).

سنجش و ارزشیابی در برنامه درسی دبستان

سنجش در دوره ابتدایی باید طیفی از یادگیری‌های اولیه - شناختی، عاطفی، فیزیکی، اجتماعی - را بازتاب دهد. برنامه‌های درسی آموزش دبستان تأکید می‌کنند که سنجش هر موضوع باید منعکس کننده دستیابی به اهداف، بویژه دانش، مفاهیم و مهارت‌ها و همچنین طیف کامل توانایی‌های کودک باشد. در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی این روش‌های سنجش معمول هستند (ان سی ای ۲، ۲۰۰۴):

- مشاهده
 - تست‌های طراحی شده توسط معلم
 - پوشه‌های کار
 - تست‌های استاندارد شده
 - خودسنجی و دیگر سنجی
- بنیاد نافیلد^۲ (۲۰۱۲)، بر اصولی درباره عملکردها، روش‌ها و فرایندهای سنجش در دوره ابتدایی تأکید می‌کند. در ارتباط با عملکردها، سنجش باید به بهبود یادگیری شاگرد منتهی شود، با طیف وسیعی از اهداف یادگیری مربوط به برنامه درسی همراه و هماهنگ باشد، بخشی جدانشدنی از تدریس باشد و کیفیت کار کودکان را افزایش دهد و داده‌های کمی و کیفی را جمع‌آوری و ترکیب کند. در ارتباط با روش‌ها و فرایندهای سنجش باید درگیری فعال کودک را در یادگیری افزایش دهد و این فهم را در کودک ایجاد کند که او می‌داند و می‌تواند، همه هدف‌های یادگیری را بازتاب دهد، استانداردهای ملی کیفیت را پوشش دهد و توسط معلمان و دانش‌آموزان به راحتی قابل انجام باشد.

سیر تحول تاریخی برنامه درسی آموزش دبستانی در جهان

تحول آموزش دبستانی و بالطبع، برنامه‌های درسی وابسته به آن، در کشورهای مختلف متفاوت است. در اینجا به طور مختصر تاریخچه‌ای از تحول آن در کشورهای تأثیرگذار ذکر می‌گردد.

۱. Eurydice

۲. National Council For Curriculum And Assessment (Ncca)

۳. Nuffield Foundation

انگلستان: اطلاعات مربوط به آموزش دبستانی در انگلستان به سال ۱۸۷۰ باز می‌گردد. در نیمه دوم قرن نوزدهم، وقتی سیاستمداران تصمیم گرفتند که همه کودکان آموزش ببینند و پیرو آن، قانون آموزش ابتدایی در سال ۱۸۷۰ در مجلس انگلستان به تصویب رسید. در کل، به نظر می‌رسد که تاریخ تحول مدارس ابتدایی، به چهار فاز تقسیم شود. فاز اول، پیش‌تاریخ^۱ است تا سال ۱۹۲۸، یعنی زمانی که مدارس دولتی جونیور (کودکان ۸ تا ۱۲ سال)، موجودیتی مستقل نداشتند. دومین فاز، سال‌های بین ۱۹۲۸ و ۱۹۴۴ را در بر می‌گیرد؛ یعنی زمانی که مدارس جونیور درون سیستم آموزش دبستانی موجودیت یافتند و یک رویکرد نظری ویژه مربوط به آموزش ابتدایی (کودک‌محور) آغاز شد و حمایت دولت را نیز دریافت کرد. فاز سوم، شامل سال‌های بین ۱۹۴۴ و ۱۹۷۰ است؛ دوره‌ای که در آن، دیدگاه جهانی به آموزش ابتدایی شکل گرفت (سنین بین ۵ تا ۱۱ سال) را شامل این آموزش می‌دانست. در این دوره، رویکرد پیشرفت‌گرا که قبل از آن معرفی و آغاز شده بود در طیف گسترده‌تری اجرا و منجر به گزارش پلاودن شد. فاز چهارم، از سال ۱۹۷۰ به بعد است. مشکلات اقتصادی، جنجال بر سر ابزار و اهداف، محدودیت‌ها و موانع جدید برای معلم و مرگ آموزش ابتدایی در معنای قدیم خود با رشد شکل‌های جدید سازمانی، از ویژگی‌های بارز این دوره است (کانر، لفتوس، ساتورت و دادز^۲، ۲۰۰۳).

دانمارک: در دانمارک قانون سال ۱۸۱۴ موجب شد که همه کودکان به صورت رایگان وارد دوره چهارساله ابتدایی شوند. برنامه درسی مدارس نیز در سال ۱۹۰۰ طبق قوانین جدید بازنگری شد. در سال ۱۹۳۷ قانونی برای آموزش پیش‌دبستان و در سال ۱۹۵۸ قانونی برای اجباری شدن آموزش کودکان ۴ تا ۷ ساله تصویب شد. در سال ۱۹۸۷ قانون غنی‌سازی محتوا و چارچوب مدارس ابتدایی با ورود مراکز فرهنگی محلی به مدارس به تصویب رسید. در برنامه درسی دوره ابتدایی طبق قانون سال ۲۰۰۳ نیز تقویت دانش و مهارت‌های کودکان دوره ابتدایی در دستور کار قرار گرفت (گاروست^۳، ۲۰۱۰).

فنلاند: در کشور فنلاند آموزش شش‌ساله دوره ابتدایی به سال ۱۸۶۶ باز می‌گردد. در سال ۱۹۲۱ قانون آموزش اجباری دوره ابتدایی تصویب شد و سیستم آموزشی این کشور تا دهه ۱۹۶۰ تغییرات چندانی نداشت. دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دهه‌های تغییرات عظیم در فنلاند بود. به طوری که یک تحول بنیادین در دهه ۱۹۷۰ در سیستم آموزشی این کشور اتفاق افتاد. همه چیز از برنامه و کتاب‌های درسی گرفته تا حقوق و دستمزد مورد بازنگری جدی قرار گرفت. از این دهه به بعد برنامه درسی آموزش ابتدایی در فنلاند پیشرفت چشمگیری داشت و امروزه سیستم آموزش ابتدایی فنلاند به عنوان یک سیستم برتر در جهان شناخته می‌شود (گاروست، ۲۰۱۰).

فرانسه: تاریخ آموزش دبستان در کشور فرانسه به چند دوره متمایز قابل تقسیم است. تا سال ۱۹۱۰ (قبل از جنگ جهانی اول)، انتقادات شدیدی به نظام آموزشی این کشور وارد شد و بر این اساس بین سال‌های ۱۸۷۹ و ۱۸۸۶ قوانین مربوط به آموزش اجباری کودکان ۶ تا ۱۳ ساله در دوره ابتدایی تصویب شد. تا سال ۱۹۲۵ (بین دو جنگ جهانی)، سیستم آموزشی فرانسه تحت تأثیر سیستم آموزشی استاندارد آلمان قرار گرفت. در این دوره تفاوت‌های فردی کودکان مورد توجه قرار گرفت و آموزش زبان

۱. Pre-History

۲. Connor, Lofthouse, Southworth And Dadds

۳. Garrouste

کلاسیک و تاریخ بخش اصلی برنامه درسی دوره‌ی ابتدایی بود. بعد از این دوره، رژیم ویشی^۱ در فرانسه روی کار آمد. با آغاز کار این رژیم، استفاده از یهودیان در امر آموزش ممنوع شد. در این دوره کالج‌های آموزش معلمان منحل شد. همچنین رژیم ویشی آموزش‌های دینی را در مدارس گسترش داد. در دهه ۱۹۸۰ (دوره‌ی اصلاحات)، دولت، مدارس ابتدایی جدیدی را معرفی کرد. که برای تولید یک سیستم جامع آموزش متوسطه بود. در سال ۱۹۷۵ قانونی توسط وزیر وقت آموزش به تصویب رسید که یک دوره آموزش اجباری را برای کودکان از ۶ به ۹ سال رساند. در این دوره تفاوت‌های فردی کودکان در عملکرد مورد توجه جدی قرار گرفت و برنامه‌های درسی جدید بر این اساس تولید شد. در برنامه‌های درسی جدید، علوم تجربی و علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. در دوران معاصر نیز از اواخر قرن بیستم برنامه‌های درسی فرانسه بر آموزش موضوعات رشته‌ای و آموزش‌های فرهنگی تمرکز کردند. در این دوره آموزش پیش از دبستان نیز مورد توجه جدی قرار گرفت (هارنر^۲، ۲۰۰۶).

کره جنوبی: تاریخ تدوین اولین برنامه درسی ملی در جمهوری کره جنوبی به سال ۱۹۴۵ برمی‌گردد، که غالباً هر ۵ تا ۱۰ سال مورد بازنگری و تجدید قرار گرفته است. بازنگری و ایجاد اصلاحات در برنامه درسی ملی بازتابی از نیازهای جامعه در معرض تغییر، الزامات و روند جهانی شدن است که در هفت دوره صورت گرفته است. در بازنگری‌ها، بر سیاست تمرکز زدایی تأکید بیشتری صورت گرفته و هدف اصلی بر تبدیل نظام آموزش و پرورش از یک سیستم بسته به یک سیستم باز آموزش، و از یک نظام مصرف کننده به یک نظام تولید کننده بود. ضمناً برای آماده سازی فراگیران در قرن ۲۱، اولویت بر توسعه خلاقیت در برنامه درسی مدارس داده شد. در همین راستا دولت، پیشنهاد کاهش موضوعات درسی اجباری و افزایش اهمیت موضوعات اختیاری را در برنامه درسی داد. جهت گیری‌های کلی برنامه‌های درسی ملی، آماده سازی دانش‌آموزان برای روند جهانی سازی است.

در کره جنوبی، قانون اساسی منبع اصلی قوانین و مقررات آموزش و پرورش است و تصریح دارد که هر شهروند کره‌ای از حق آموزش منطبق بر توانایی‌اش برخوردار باشد. طول دوره ابتدایی نیز شش سال است.

اهداف و محتوای آموزش و پرورش در کره جنوبی در سطح ملی تدوین می‌گردد، البته علاوه بر وزارت آموزش و پرورش در سطح ملی، دفاتر محلی آموزش و پرورش، از جمله نهادهای اصلی مدیریت است که در هر یک از شهرداری‌ها و استان‌های کشور تأسیس شده‌اند. از سال ۱۹۷۶ در کره جنوبی، شانزده مرکز استانی و ۱۸۲ مرکز محلی آموزش و پرورش ایجاد شده است. که در راستای تمرکز زدایی از نظام آموزش و پرورش، هر یک از ادارات شهری و استانی آموزش و پرورش، به عنوان یک نهاد اجرایی و هیأت مدیره مرجع تصمیم‌گیری در مورد مسائل مهم آموزش و پرورش در نظر گرفته می‌شود (وزارت آموزش و پرورش کره جنوبی، علوم و تکنولوژی، ۲۰۰۸).

چالش‌های برنامه درسی دوره دبستان

کودکان در قرن بیست و یکم، با چالش‌هایی در ارتباط با رشد سریع علم و فناوری مواجه‌اند؛ بنابراین مدارس باید کودکان را آماده کنند تا دانش شخصی خود را بسازند، چشم‌انداز جهانی در خود ایجاد کنند و مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر را در خود رشد دهند

1. Vichy

۲. Hörner

(انجمن برنامه‌ریزی درسی^۱، ۲۰۱۱). یونسکو (۲۰۰۵) دو چالش عمده آموزش ابتدایی را کمبود شدید معلم و تعداد زیاد ثبت‌نام‌کنندگان در مدارس ابتدایی می‌داند. بودجه کم اختصاص یافته به آموزش دبستان، عدم برنامه‌ریزی مناسب دولت برای اجرای طرح‌های جهانی آموزش دبستان و کم بودن دسترسی عمومی کودکان لازم‌التعلیم به آموزش عمومی به عنوان چالش‌های اصلی دیگر معرفی شده‌اند (پوپولا، بلو و آتاندا، ۲۰۰۹). در گزارش، یونیسف (۲۰۱۳) چالش‌های پیش روی آموزش دبستانی را شامل این مواد می‌داند:

- کیفیت پایین آموزش در برخی کشورها.
 - عدم ورود همه جمعیت لازم‌التعلیم به آموزش ابتدایی در بعضی کشورها.
 - عدم وجود طرح‌های استراتژیک در برخی کشورها برای نیل به اهداف مطلوب.
 - سطح پایین اولویت اختصاص داده شده به آموزش در بعضی کشورها.
 - هزینه‌های بالای فرصت‌های آموزشی.
 - تبعیض‌های جنسیتی در نظام‌های آموزشی برخی کشورها.
 - ظرفیت پایین برخی کشورها در تأمین منابع مالی آموزش‌های حرفه‌ای.
 - عدم دسترسی به اطلاعات کافی برای شناسایی میزان کودکانی که به مدرسه نمی‌روند در شرق آسیا و اقیانوسیه.
 - مشکلات مربوط به ثبت‌نام کودکان محروم در مدارس.
 - تمرکز در برنامه‌ریزی و عدم پوشش مناسب بافت‌های متنوع فرهنگی و اجتماعی در برخی کشورها.
 - حقوق پایین کادر آموزشی و نداشتن حداقل استانداردها.
- به هر حال به نظر می‌رسد، عدم دسترسی کافی به آموزش عمومی، اختصاص بودجه کم و حقوق پایین معلمان، فقدان طرح‌های مناسب آموزشی برای معلمان و عدم همکاری مناسب کشورها در ارائه اطلاعات درست از وضعیت آموزشی خود، همچنان جزو چالش‌های اساسی توسعه عدالت آموزشی در جهان در حوزه آموزش دبستانی هستند.

منابع

- Australian Bureau of Statistics. (2015). available at:
<http://www.abs.gov.au/websitedbs/CaSHome.nsf/Home/Year+7+Resources>.
- Connor C, Lofthouse B, Southworth G, Dadds M. (2003). The Study of primary education: a source book, 2nd Edition. London, New York, Philadelphia: The Falmer Press.
- Eurydice. (2008). Organization of the Education System in Germany, Education, Audiovisual and Cultural Executive Agency (EACEA), Brussels.
- Garrouste, C. (2010). 100 years of educational reforms in Europe: A contextual database.
- Grayson, H., Houghton, E., O'Donnell. S. and Sargent, C. (2014). Curriculum Structures and Stages in Primary Education: Audit of Policy across Jurisdictions. Technical Appendix: Consolidated Country Tables. Slough: NFER.
- Harmon D A, Jones T S. (2005). Elementary education: a reference handbook. California: ABC-CLIO
- Hayes. D. (2007). Primary education: the key concepts. London and New York: Routledge.
- Hörner, W. (2006). The education systems of Europe: France. Trends in building international, (13), 1-15.
- Institute for Supply Management. (2017). the History of American Education: 1600-2000. Available at:

۱. The Curriculum Development Council



- https://isminc.com/pdf/free/administrators-faculty/history_education.pdf.
- Popoola, S. O., Bello, A. A., & Atanda, F. A. (2009). Universal basic education in Nigeria: Challenges and way forward. *Pakistan Journal of Social Sciences*, 6(5), 252-269.
- Ministry of Education, Science and Technology (2008). The development of education. National report of the Republic of Korea. Presented at the 48th session of the International Conference on Education, Geneva.
- NCCA. (2004). assessment in primary schools. Received from: www.ncca.ie/uploadedfiles/Publications/AssessPrim.pdf.
- Nuffield Foundation. (2012). Developing policy, principles and practice in primary school science assessment. Received from: <http://www.nuffieldfoundation.org/news/developing-policy-principles-and-practice-primary-school-science-assessment>
- Rudhumbu N. (2014). The use of motivational teaching methods in primary schools mathematics in in Zimbabwe. *British Journal of Education*, Vol.2, No.3, pp.22-36.
- Shuayb M, Donnell Sh O. (2008). The Primary review: Aims and Values in Primary Education. University of Cambridge: Faculty of Education.
- UNESCO. (2005). Challenges of implementing free primary education in Kenya. Received from: unesdoc.unesco.org/images/0015/001516/151654eo.pdf.
- Word data on Education (2011). 7th edition, 2010/2011, Available at: www.ibe.unesco.org.